

توحید عبادی و توسل به اهل بیت (علیهم السلام)

سیدهادی عظیمی^۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

این پژوهش به دنبال اثبات اصل توسل و مشروعیت آن در مکتب حقه شیعه بوده و در پی پاسخ دادن به برخی شبهات برعلیه تشیع می‌باشد. آنچه ما در این مقاله به آن می‌پردازیم، اثبات حقانیت توسل به اهل بیت علیهم السلام و جواب دادن به کسانی است که این راه سعادت را شرک دانسته، و شیعیان را مشرک می‌دانند. این پژوهش در گفتار اول به بررسی دقیق توحید، تعریف آن و اقسام آن از منظر شیعه و دیگر فرق اسلامی پرداخته است. سپس در گفتار دوم به توضیح و تبیین مبحث توسل می‌پردازد و در گفتار سوم که فصل آخر باشد، این دو مسئله مهم را به یکدیگر گره زده و به صورت دقیق ارتباط توحید و توسل به اهل بیت علیهم السلام را بررسی می‌کنیم و همه اینها در صدد پاسخگویی به برخی شبهات و سوالات، بر رد مشروعیت توسل می‌باشد.

کلیدواژگان: توحید، توسل، اهل بیت علیهم السلام.

^۷ دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

مقدمه

این بحث در کتاب التوسل عباده توحیدیه به قلم آیة الله الشیخ محمد السند مطرح شده و به صورت مفصل به آن پرداخته اند. همچنین در کتاب توسل به قلم آقای علی اصغر رضوانی که توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران چاپ گردید، بررسی شده است. در کتاب های برخی از بزرگان همچون آیت الله سبحانی، آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله مصباح یزدی که در صدد نقد وهابیت بوده اند به موضوع اشاره شده، اما ما در صدد آن بودیم تا این بحث را جمع آوری کرده و مستقلاً به آن پردازیم.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: آیا توحید عبادی و توسل به اهل بیت علیه السلام با یکدیگر در تراحم هستند؟

مفاهیم

معنای لغوی توحید عبادی

- (۱) به معنای یکتا قرار دادن و یگانه دانستن چیزی (فیروزآبادی. محمدبن یعقوب. قاموس المحيط. ج ۱. ص ۳۴۳).
- (۲) واحد اطلاق بر چیزی دارد که جزء ندارد (راغب. حسین. مفردات. ص ۵۵۱).

معنای اصطلاحی توحید عبادی

در مباحث اعتقادی و کلامی توحید به معنای یکتاپرستی، یگانگی خداوند و بدون شریک بودن اوست.

توسل

معنای لغوی

به معنای انجام دادن کاری که برای نزدیک شدن و تقرب به چیزی یا شخصی باشد. (خلیل بن احمد فراهیدی. العین. ج ۷. ص ۲۹۲)

اصطلاحی

وقتی انسان به درگاه الهی چیزی یا کسی را به علت تقرب آن چیز به خداوند، واسطه پذیرش دعا و توبه خود قرار می دهد، آن را توسل به آن شیء می نامند.



اهل بیت

معنای لغوی

این کلمه مرکب از دو کلمه مختلف هست که به صورت مضاف و مضاف الیه واقع شده است. اهل به معنای عشیره و اقربین هست، و اگر به چیزی اضافه شود معنای اصحاب آن شیء را می دهد (ابراهیم مصطفی. معجم الوسیط. ج. ۱ ص ۳۱). و جزء دوم این کلمه یعنی بیت به معنای مسکن و محل سکونت هست. (همان. ص ۷۲) اهل بیت یعنی ساکنانِ خانه. (فیروزآبادی. محمد بن یعقوب. قاموس المحيط. ج ۳. ص ۳۳۱)

معنای اصطلاحی

اهل بیت یعنی سلسله امامان شیعه، که در عرف مردم آن زمان با رمز «رضی آل محمد» تعریف می شدند. گروهی از عمو زادگان^۶ بعدها به نام عباسیان معروف شدند (صدر المتالهین. المظاهر الإلهیة فی أسرار العلوم الکمالیة، مقدمه مصحح، ص: ۲۱۵) و دایه اتصال به اهل بیت را داشتند، که منظور ما از اهل بیت آنها نیستند.

گفتار اول

برای بررسی و کنار هم قرار دادن مسئله توحید و توسل، باید ابتدا هر کدام را مورد بررسی قرار داد، تا با آنها به طور مفصل آشنا شد، سپس به بررسی دقیق ارتباط و تفاوت های آن دو پرداخت. لذا فصل اول را، به تعریف توحید از دیدگاه تشیع و تسنن و بررسی اقسام آن از دیدگاه برخی فرق اسلامی اختصاص دادیم. با مطالعه این بخش به مطالب ارزنده ای دست پیدا می کنیم.

۱. مفهوم توحید

همانگونه که بررسی لغوی توحید مطرح شد، توحید به معنای یکتایی و وحدانیت است. شهید مطهری در کتاب توحید خود، این کلمه را ایمان به خداوند و یکتایی ایشان معنا می کند (مطهری. مرتضی. توحید. ص ۱۱)، اما در این بخش، می خواهیم به توضیح مفصل و کلی بحث مهم توحید بپردازیم.

کلمه توحید یعنی کلمه «لا اله الا الله» نفی و اثباتی است؛ بدون نفی غیر خداوند، بیان توحید ناممکن است. کفر و ایمان قرین یکدیگرند؛ یعنی هر ایمانی مشتمل بر کفری و



هر ایجاب و اثبات مستلزم سلب و نفی ای است: «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (سوره بقره، ۲، ۲۵۶)» (مطهری. مرتضی. مجموعه آثار، ج ۱۶، ص: ۵۰۳ (سیری در نهج البلاغه)، نقل به معنا)

شهید مطهری با بیان زیبا و کوتاه تر درجایی دیگر چنین می فرمایند: توحید یعنی این: از توست، به توست (یعنی قائم و متکی به توست). و مال توست و به سوی توست (مطهری. مرتضی. مجموعه آثار. ج ۲۶ ص ۵۲۲ (آشنایی با قرآن)). لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (سوره شوری، ۱۲، ۴۲) کلیدهای آسمانها و زمین فقط در سیطره مالکیت اوست. رزق و روزی را برای هر کس که بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد. یقیناً او به همه چیز داناست.

علامه مصباح یزدی بیان دیگری نسبت به توحید دارند: توحید یعنی یگانه شمردن خدا به عنوان یک اصل اسلامی، یگانه شمردن در امور و شئون زیادی می تواند باشد:

۱. در وجوب وجود یعنی اینکه واجب الوجود بودن منحصر به الله است.
۲. در خالقیت.
۳. در ربوبیت تکوینی یعنی کارگردانی جهان.
۴. در ربوبیت تشریحی، به معنی قانون گذاری، امر و نهی، واجب الطاعه بودن بی چون و چرا.

۵. عبودیت و الوهیت، یعنی کسی جز الله شایسته پرستش نیست به اینجا که رسید مصداق «لا اله الا الله» خواهد شد. (مصباح یزدی. محمد تقی. معارف قرآن. خداشناسی. ص ۶۹)

در کتابی دیگر بیان جامع تری نسبت به توحید دارند:
واژه توحید در لسان اهل فلسفه و کلام و اخلاق و عرفان، به معنای گوناگونی به کار می رود که در همه آنها یگانه دانستن خدای متعال در حیثیت خاصی لحاظ می گردد. و گاهی به عنوان «اقسام توحید» و یا «مراتب توحید» از آنها یاد می شود:





الف) نفی تعدد: اعتقاد به وحدانیت خدا و نفی تعدد و کثرت برون ذاتی است در برابر شرک صریح و اعتقاد به دو، یا چند خدا به گونه ای که هر کدام وجود مستقل و جداگانه ای از دیگری داشته باشد.

ب) نفی ترکیب: اعتقاد به احدیت و بساطت درون ذاتی و مرکب نبودن ذات الهی از اجزاء بالفعل و بالقوه.

ج) نفی صفات زاید بر ذات: اعتقاد به یگانگی صفات ذاتیه با خود ذات الهی و نفی صفات زائد بر ذات.

د) توحید افعالی: این است که خدای متعال در انجام کارهای خودش نیازی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و هیچ موجودی نمی تواند هیچ گونه کمکی به او بکند.

ه) مخلوقات الهی در کارهای خودشان نیز بی نیاز از خدای متعال نیستند و تأثیرهایی که در یکدیگر دارند به اذن خدا و در سایه نیرویی است که خدای متعال به آنها عطا فرموده و می فرماید. (مصباح یزدی. محمد تقی. آموزش عقاید. ص ۱۶۵، ۱۶۶)

با توجه به این بیانات و توضیحات مختلف در مورد توحید، به این مسأله می رسیم که توحید دارای مصادیق متعدد، در جایگاه متفاوت می باشد. لذا اجمالاً به اقسام آن پرداخته و به تفصیل توحید عبادی که در بحث ما نقش مهمی دارد را مورد بررسی قرار می دهیم.

۲. انواع توحید و بررسی توحید عبادی

- توحید ذاتی

توحید ذاتی در اصطلاح رایج، بدین معناست که خداوند یگانه بوده، هیچ مثل و مانند و شریک و همتایی ندارد. (جوادی آملی. عبدالله. توحید در قرآن. ص ۲۰۱) منظور از توحید ذاتی؛ یگانگی خداوند متعال و مانند نداشتن او است. چرا که وجود مثل و مانند برای او محال و ناممکن است. (سبحانی. جعفر. مرزهای توحید و شرک در قرآن. ص ۳۱)

- توحید صفاتی

یعنی، ذات او عین صفاتش است، بلکه هریک از صفات ذاتیه کمالیه عین دیگر صفاتش می باشد. پس خدای متعال در علم و قدرت نظیری ندارد. (خرازی. سیدمحسن. بداءالمعارف والهیه. ص ۵۷)

- توحید افعالی

توحید افعالی یعنی اینکه یگانه فاعل و مؤثر حقیقی را خدا بدانیم؛ چرا که هر فاعلی غیر از خدا، فعل و تأثیرش را از خدا گرفته و از خود چیزی ندارد. قرآن در مورد رویدن دانه و گیاهان، خطاب به مشرکان میفرماید: أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (سوره واقعه، ۵۶، ۶۴)؛ آیا شما آن {دانه} را زراعت می کنید یا ماییم که زراعت می کنیم. با این استفهام انکاری، تأکید می کند که زارع حقیقی خداوند است. (مصباح یزدی. محمدتقی. به سوی او. ص ۲۶)

- توحید تشریحی

یعنی فقط قانونگذاری مختص و حق خالق است. چون او به مخلوقات آگاه است و صلاح آنان را می شناسد. (خرازی. سیدمحسن. بداءالمعارف والهیه. ص ۵۸) اراده تشریحی خداوند، بی دلیل نیست، بلکه دارای پشتوانه و اساس تکوینی است. (مصباح یزدی. محمد تقی. اخلاق در قرآن ج ۳. ص ۱۴۰) او حکیم (أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. سوره بقره، ۲، ۲۰۹)، بسیار مهربان (نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. حجر، ۱۵، ۴۹) و آگاه ترین (وَلَا يَنْبِئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ. فاطر، ۳۵؛ ۱۴) موجودات نسبت به انسان است؛ پس تشریح و قانونگذاری حق مسلم چنین موجودی میباشد و بهترین نظر و رای از سوی او صادر می شود.

- توحید استعانی

یعنی بنده در امور خودش فقط از خدای متعال یاری بجوید. (خرازی. سیدمحسن. بداءالمعارف والهیه. ص ۵۸)

- توحید حبی

یعنی کسی که اعتقاد دارد منشا هر کمال و جمالی خداوند متعال میباشد، پس در نتیجه محبت را فقط شایسته خداوند میدانند. (همان)



- توحید عبادی

مراد از این توحید آن است که فقط عبادت مخصوص خداوند متعال است، نه هیچ موجود دیگری. تمامی عالم در دست اوست و فقط او مستحق پرستش و عبادت است. خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: **وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مَخْلَصِينَ لَهُ الدِّينَ**. (سوره بینه، ۹۸، ۵) و این یعنی فقط باید خداوند را پرستش کرد و در دین او خالص شد. که البته همین مساله با بحث توسل به اهل بیت (علیهم السلام) در دیدگاه برخی فرق اسلامی دچار تداخل شده و شیعه در مظان اتهام واقع شده است. که با توضیح دقیق این نوع توحید و تعریف دقیق از توسل به خلط مبحث پاسخ خواهیم داد. لذا نیازمند تعریف دقیق علمای شیعه نسبت به این نوع توحید می باشیم.

* توحید عبادی از منظر شیعه

علامه طباطبایی (قدس سره): جمله " **أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ** "، دعوت بشر است به توحید در عبادت، یعنی نپرستیدن غیر خدا و آن بت هایی که مشرکین آنها را شریک خدا می پنداشتند، و دعوت به این است که بشر عبادت را منحصر در خدای تعالی کند. (طباطبایی. سید محمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان. ج ۱۰. ص ۲۰۲)

شهید مطهری (قدس سره): توحید در عبادت یعنی تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و ایده آل قرار دادن و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایده آل دیگر؛ یعنی برای خدا خم و راست شدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا خدمت کردن، برای خدا زیستن، برای خدا مردن، آنچنان که ابراهیم علیه السلام گفت: **إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**. (انعام، ۵، ۱۶۲ و ۱۶۳) همانا نمازم، عبادتم، زیستنم و مردنم برای خداوند، پروردگار جهان هاست. (مطهری. مرتضی. مجموعه آثار شهید. ج ۲. ص ۱۰۶) توحید در عبادت یعنی لزوم یگانه پرستی. (همان. ج ۳. ص ۷۲)

علامه مصباح یزدی حفظه الله: نازل ترین مرتبه اعتقاد به توحید در عبادت، نفی شرک و پرستش خدایان است؛ یعنی در مقابل مشرکان که به ارباب اعتقاد دارند و آنها را می پرستند، ما معتقدیم که تنها یک معبود وجود دارد و فقط باید او را عبادت کرد. پس این اولین مرتبه توحید در عبادت است. (مصباح یزدی. محمدتقی. به سوی تو. ص ۲۱۵)



آیت الله جوادی آملی حفظه الله: توحید عبادی که مربوط به یگانگی معبود است؛ یعنی بر انسانها واجب است که تنها خداوند را بپرستند و نباید به نحو استقلالی یا شریک باری، کسی جز او را بپرستند. (جوادی آملی، عبدالله، فلسفه الهی از منظر امام رضا) علیه السلام (ص ۵۱۱)

سخن این بزرگان دلالت بر بندگی مطلق نسبت به خداوند دارد و هیچکدام در عبادت کسی را شریک خداوند نمی دانند. پس چگونه وهابیت شیعه را متهم به عبادت مشرکانه کرده اند، در صورتی که علمای شیعه عبادت را فقط مخصوص خداوند متعال می دانند؟ برخی از فرق اسلامی، شیعه را به دلیل وجود مسئله توسل در شریعت شان، آنها را متهم به شرک کرده و این چنین پنداشته اند که با توسل کردن به اهل بیت به کسی غیر از خداوند رو کرده ایم، در صورتی که چنین نیست و همانطور که مشاهده شد، تمامی علمای شیعه قائل به توحید در عبادت خداوند متعال هستند و فقط توسل را وسیله ای برای رسیدن به خدا می دانند.

این بحث به طور مفصل در بخش ها و فصل های آینده خواهد آمد و با استدلال به آن می پردازیم.

*مطالب این بخش و آنچه از کتب اهل سنت و وهابیت بیان میشود، به دلیل عدم دسترسی آسان به منابع آنها از پژوهش نامه سراج منیر، زیر نظر موسسه دارالاعلام، استفاده شده است. این پژوهش نامه در صدد نقد وهابیت می باشد و مطالبی که از کتب فرق عامه نقل میکند، قابل اعتماد می باشد.

۳. توحید از منظر فرق دیگر اسلامی

اهل سنت:

سید قطب یکی از علمای اهل تسنن در یکی از کتب خود توحید را چنین تعریف میکند: پایه اساسی اعتقاد که فرائض بدان بر میگردد و حقوق و واجبات از آن سرچشمه میگردد و پایه اساسی که باید قبل از هر چیز دیگری ساخته و پرداخته شود، این است به الوهیت خدای یگانه در همه امور زندگی شان اعتراف کنند. و کسی را شریک او نگیرند و این امر محقق نمیشود، مگر با زدودن دل از هرگونه شرکی، و پاکیزه داشتن عقل و خرد





از هر خرافاتی، و تمیز کردن جامعه از هر رسم و آداب جاهلی، و پاک داشتن زندگی از پرستش بندگان برای بندگان. (سید قطب. فی ظلال القرآن. ج ۴. ص ۲۲۷) این تعریف او از توحید بود، اما اقسام توحید از دیدگاه او دو قسم است: توحید در عقیده و توحید در عمل. توحید در عقیده به دو قسم توحید در ذات و صفات، و توحید در عمل به دو قسم توحید در افعال و توحید در عبادات تقسیم می‌گردد.

وهابیت

ولی در بحث انواع توحید از منظر وهابیت باید گفت که ابن تیمیه و بیشتر متفکران بزرگ وهابی توحید را به سه قسم تقسیم کردند: توحید ربوبی، توحید الوهی، توحید در اسماء و صفات.

محمد بن عبدالوهاب: توحید دارای سه اصل است: توحید ربوبیت و توحید الوهیت و توحید اسماء و صفات. اما اصل اول توحید در ربوبیت است، و آن چیزی است که مشرکان زمان پیامبر به آن ایمان داشتند، اما با این حال، علاوه بر آنکه پیامبر آنان را داخل در اسلام قرار نداد، آن‌ها را کشت و مال و خونشان را حلال را دانست. توحید الوهیت به این معناست که بندگان خداوند در افعال خود واحد بدانند. مثل دعا، امید داشتن، ترس، نذر، ذبح و... و توحید سوم همان توحید در اسماء و صفات است. (عبد الرحمن عاصمی. الدرر السنیة فی الاجوبه اللانجديه. ج ۲. ص ۶۷)

ابن عثیمین: توحید به سه قسم تقسیم میشود: توحید ربوبیت، توحید الوهیت و توحید صفات و اسماء. این سه توحید در این آیه (رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا) (سوره مریم، ۱۹، ۶۵) جمع شده است. (ابن عثیمین. القول المفید علی کتاب التوحید. ج ۱. ص ۲، ۹۱۱)

تقسیمی دیگر

اگر بخواهیم از وهابیت تقسیم دیگری ارائه دهیم، باید به تقسیم توحید به توحید ربوبیت و توحید عبودیت اشاره کرد. این نظر برخی از غلمای وهابیت است. مثلاً سلیمان بن عبدالله یکی بزرگان آنها در تقسیم بندی توحید چنین می‌گوید: توحید تقسیم میشود به توحید معرفت و اثبات (توحید ربوبیت و اسماء و صفات) و توحید در قصد و

طلب (توحید عبودیت). (سلیمان بن عبدالله تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید. ج ۱. ص ۱۳۹، ۱۴۰)

گفتار دوم

توسل کردن به کسانی که در پیشگاه خداوند مقامی دارند، از جمله مسائلی است که در بین اکثر فرق اسلامی مورد تایید است و علل بسیاری برای اثبات آن موجود میباشد. متوسل شدن به پیامبر: در زمان ایشان دیده شده و تا به امروز بسیاری از مسلمانان جهان به زیارت قبر ایشان میروند، و به ایشان متوسل میشوند. اما امروزه برخی از گروه های اهل تسنن از جمله وهابیت این مسئله مهم و معتبر را بدعت دانسته و تشیع را بدعت گذار میدانند. لذا در ادامه به بررسی این اصل میپردازیم و از مذهب حقه شیعه دفاع میکنیم.

۱. بیان حقیقت توسل

ما اعتقاد به این مطلب داریم که همه امور عالم از یک اراده یعنی اراده خداوند متعال سرچشمه می گیرد. چیزی در عالم بدون اجازه او محقق نمیشود و هیچ کس و هیچ چیز نمیتواند خواسته هایش را بر او تحمیل کند. اصلاً هیچ کسی نمی تواند چیزی که خداوند به او نداده است را دارا باشد، و همه، همه چیزشان را از خدا دارند. و برای هر کار اذن الهی باید وجود داشته باشد. ملائکه هم هیچ کاری را بیاذن او نمی توانند انجام دهند. عزرائیل مامور قبض روح انسانهاست، میکائیل واسطه در توزیع ارزاق است؛ ولی هر دو آنها واسطه اند، و بی اذن خدا هیچ حرکتی نمی کنند؛ قرآن کریم میفرماید: لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ. (سوره انبیاء، ۲۱، ۲۷) یعنی تا خدا نگوید قدم از قدم برنمیدارند. برای رسیدن به توحید حقیقی، توجه به خدا لازم است و برای رفع نیازها، باید فقط به درگاه او، که خود بی نیاز است رفت؛ و دیگران را فقط ابزار و وسیله فعل آن یگانه بدانیم. در مقام توسل به اولیای خدا هم باید متوجه باشیم که آنها مستقل از اراده خدا نمیتوانند کاری بکنند، و اگر ما نیز به آنها متوسل میشویم از این جهت است که خود خدا آنها را برای بشر به عنوان ابزار قرار داده است تا به وسیله آنها به کمال برسیم. اَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ. (سوره مائده، ۵، ۳۵) به هر حال ما نباید در مقام توسل غفلت کنیم که وسیله بودن





آن بزرگواران خواسته و مشیت خود خداوند است نه اینکه این مسئله در عرض تأثیر خدای متعال باشد. توسل به این معنا نیست که فرد مورد توسل، چیزی را بر خداوند تحمیل میکند. اساساً هر چه که به دست وسایل فیض الهی جاری می‌گردد، به خواست خداست و او خود هر مقدار از تأثیر را که بخواهد به آنان عطا میکند. حقیقت توسل به معنای رو زدن و درخواست کمک از صالحان و بندگان برگزیده خداوند متعال است. یعنی ابراز عجز در برابر کسانی که پیش خدا جایگاه ویژه‌ای دارند، و با دستگیری از ما، میتوانند ما را به درجات برسانند. مبدا فراموش کنیم، هر آنچه در عالم رخ میدهد از سوی خداوند است؛ و اصل توسل در تسریع اجابت تأثیر دارد. مسیر توسل بسیار مطمئن و سریع می‌باشد. و آنها مانند کشتی امن، ما را به مقصد می‌رسانند. همانطور که خودمان نیز خطاب به اهل بیت در برخی زیارات می‌گوییم: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ. در نتیجه، توسل به اهل بیت (علیهم السلام) چیزی غیر از عبادت خداوند نیست.

۲. بیان تاریخچه توسل

الف) وقتی برای تاریخچه توسل از ابتدای خلقت نگاه می‌کنیم، اولین نمونه آن را ماجرای حضرت آدم می‌بینیم که خداوند در قرآن کریم علت پذیرش توبه ایشان را چنین می‌فرماید: فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره، ۲، ۳۷). یعنی حضرت آدم برای درخواست توبه خود متوسل به کلماتی شده‌اند؛ که در تفاسیر قرآن اعم از شیعه و عامه، این کلمات، نام‌های پیامبر و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) می‌باشد.

در منابع تشیع

از ائمه اهل بیت نقل شده است که آدم بر عرش، اسم‌هایی بزرگ و گرامی دید وقتی از آنها پرسید به او خطاب رسید اینها اسمهای بزرگترین و با منزلت‌ترین مخلوقات خداست و این اسمها: «محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین» بود که آدم در پذیرش توبه و بالا رفتن مقامش بدانان توسل جست. (طبرسی. فضل بن حسن. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱. ص ۱۴۰) مراد از این کلمات اصحاب کساء است. (فیض کاشانی. ملا محسن. تفسیر الصافی. ج ۱. ص ۱۲۰)

در منابع اهل سنت

جلال الدین سیوطی ذیل همین آیه حدیثی را از نبی مکرم میگوید: آدم (علیه السلام) چون دچار لغزش شد به خداوند، گفت: می خواهم مرا به حق محمد ببخشی. خداوند متعال فرمود: ای آدم، محمد را چگونه شناختی در صورتی که هنوز من او را نیافریده ام؟ آدم (علیه السلام) در پاسخ گفت: هنگامی که مرا آفریدی نگاهی به عرش کردم و دیدم که در آن نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله. چون دیدم نامش نزدیک نام توست فهمیدم که محبوب ترین آفریده شدگان است. خداوند فرمود: چون از حق محمد خواستی تو را می بخشم. (جلال الدین سیوطی. الدر المنثور فی تفسیر الماثور. ج ۱. ص ۵۲)

و در صفحات دیگر در تفسیر این آیه، از ابن عباس روایتی نقل می کند: در مورد چیستی این کلمات از رسول خدا پرسیدم، فرمودند: آدم از خداوند خواست تا به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه اش را بپذیرد، خداوند هم توبه اش را پذیرفت. (همان. ص ۶۰، ۶۱)

ب) واقعه تاریخی دیگر، جریان حضرت یعقوب (علیه السلام) است که پسران ایشان برای طلب آموزش، محضر او رفتند و از پدرشان درخواست بخشش کردند؛ ایشان هم در پاسخ آنها، وعده طلب آموزش از خداوند را داد. قَالَ يَا بَنَاءَ اسْتَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ / قَالَ سَوْفَ اسْتَعْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (سوره یوسف، ۱۲، ۹۷ و ۹۸) گفتند: ای پدر! آموزش گناهانمان را بخواه، بی تردید ما خطاکار بوده ایم. گفت: برای شما از پروردگارم درخواست آموزش خواهم کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

ج) یکی دیگر از مسائل مورد اتفاق مسلمین بحث توسل و تبرک جستن به پیامبر در زمان حیات ایشان می باشد. و واقعه تاریخی مشهوری که در کتب تاریخی نقل شده است، هجوم مردم به آب وضوی پیامبر است. که البته این واقعه را اهل سنت نیز در کتب خود ذکر می کنند. احمد بن حنبل کسی که فقه وهابیت برگرفته از دستورات اوست و او نزد وهابیت دارای جایگاه ویژه ای می باشد، چنین روایتی را نقل می کند: هنگامی که پیامبر وضو می گرفت، به جهت تبرک جستن به آب وضوی ایشان، نزدیک بود مردم خود را به هلاکت بیاورند. (صحیح بخاری. ج ۱. ص ۵۵) در شواهد تاریخی شیعیان نیز امثال





این روایت آمده است. مثل بیان این جریان که علامه طباطبایی در سنن النبی نقل میکند: حضرت کوزه‌های سفالی داشت که با آن وضو می‌ساخت و از آن آب میل می‌کرد. و مردم برای تبرک، کودکان خود را می‌فرستادند و داخل منزل حضرت می‌شدند. بدون اینکه کسی از آنان ممانعت کند، آنگاه اگر کوزه آبی پیدا می‌کردند، می‌آشامیدند و به صورت و بدن خود برای تبرک می‌مالیدند. (احیاء العلوم، ج ۲، ص ۳۷۳ تا ۳۷۷؛ و روی هذه المعانی فی کتب الشیعه أيضا فارجع المکارم، ج ۱، ص ۳۷ تا ۴۰ و المناقب، ج ۱، ص ۱۶۸؛ والفقیه، ص ۵۱۹؛ و اللامالی، ص ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۸)

۳. توسل از دیدگاه دیگر فرق اسلامی

همان طور که در مقدمه فصل دوم مطرح شد، اکثر فرق اسلامی با توجه به دلایل محکم برای بحث توسل آن را می‌پذیرند، اما به دلیل اختلافات موجود، بررسی نظرات آنها را برای کامل شدن بحث لازم می‌دانیم.

اهل سنت

نظر عموم اهل تسنن چنین می‌باشد. استغاثه و توسل به پیامبر اعظم (ص) و برکت ایشان نزد خداوند، از اعمال انبیاء و سیره صالحان بوده و در هر زمانی صورت می‌گرفته است. (سمهودی. نورالدین. وفاء الوفاء. ج ۴. ص ۱۳۷۲) از دیگر علمای آنها قسطنی است که می‌گوید: بر زائر رسول خدا (ص) شایسته است که بسیار دعا کرده و تضرع و استغاثه و توسل به ذات مطهر پیامبر نماید. (قسطنی. المواهب الدنیه. ج ۴. ص ۵۹۳) زرقانی دیگر عالم سنی در شرح کتاب قسطنی چنین می‌نویسد: باید به رسول خدا (ص) توسل کرد، زیرا توسل به ایشان سبب فرو ریختن کوه‌های گناه می‌باشد. (زرقانی. المدخل. ج ۱. ص ۲۵۴)

همان طور که مشاهده شد، بحث توسل نقطه اختلاف تشیع و تسنن نمی‌باشد. و آنها نیز توسل را به عنوان یک اصل می‌پذیرند. البته نظرات بسیاری از علمای اهل تسنن نیز موجود بود که به همین اندازه بسنده می‌کنیم و به مابقی آن نمی‌پردازیم.

وهابیت

همان طور که در گذشته (همین مقاله. مدخل فصل دوم). به این مطلب اشاره ای داشتیم، ابن تیمیه بنیان گذار فرقه وهابیت، توسل به مقربان درگاه الهی را شرک دانسته و پیروان این عقیده را مشرک می داند. اما برای بررسی دقیق تر عقاید آنها، به سراغ نظرات دیگر بزرگان وهابیت می رویم. محمد بن عبدالوهاب مجدد این فرقه می گوید: کسانی که به ملائکه، پیامبران، اولیای خدا توسل می کنند و آنان را برای خود شفیع می دانند، و به وسیله آنها به سوی خداوند تقرب می جویند، خونشان حلال بوده و اموال آنها مباح می باشد. (کشف الشبهات. ص ۵۲) ناصرالدین البانی نیز چنین نظری دارد: من معتقدم کسانی که به اولیاء خدا و صالحان توسل می کنند از راه حق گمراهند. (مبانی البانی. ص ۴۳۲) همچنین هیئت افتاء سعودی حلال شمردن خون شیعه و جلوگیری از ازدواج با شیعیان به دلیل توسل آنها که سبب شرک میشود را در دستور کار خود قرار داده است.

۴. ادله حقانیت توسل

برای اثبات مسئله توسل باید به مخالفان، با دلایل محکمی پاسخ دهیم؛ مبحث توسل نیز دارای دلایل زیادی می باشد، و می توان با ادله قرآنی و روایی که گواهان حقانیت این اصل میباشند، آن را اثبات نمود.

الف) دلیل قرآنی

آیاتی در بخش تاریخچه توسل ذکر شد، که آنها بهترین راه برای بخشش گناهان، یعنی توسل را آموزش می دادند. علاوه بر آنها آیات دیگری نیز برای اثبات توسل وجود دارد. مثل این آیه که مسقیم، به وسیله گرفتن برای تقرب الی الله دستور می دهد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** (سوره مائده، ۵، ۳۵) ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست آویز و وسیله ای {از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش} برای تقرب به سوی او بجویید.

همچنین در آیه ای دیگر، خداوند برای ببخشش گناهکاران، راه متوسل شدن به پیامبر را پیشنهاد میکند؛ تا حضرت از خداوند متعال برایشان طلب مغفرت و آمرزش نمایند. وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا





رَحِيمًا (سوره نساء، ۴، ۶۴) اگر آنان هنگامی که {با ارتکاب گناه} به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند. این آیه به روشنی نشان می دهد که برای آمرزش گناهان، باید در محضر یک مقرب درگاه الهی حاضر شده و از ایشان طلب مغفرت در پیشگاه خداوند نمود. این راه را خود خداوند در قرآن به ما یاد داده است. پس توسل بدعت، یا چیزی غیر از عبادت مطلق پروردگار نیست.

برخی این آیه را برای زمان حیات پیامبرداشته و توسل به روح پاک ایشان را بدعت می دانند؛ اما برای این پرسش نیز پاسخی داریم:

الف) هر چند این آیه در ابتدا مربوط به دوران حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده، اما با توجه به اینکه طبق آیه شریفه قرآن: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، ۳، ۱۶۹) پیامبر شهیدان بهتر از شهیدان، زنده است و پیامهای زائران را می شنود و پاسخ درود فرستندگان را نیز می گوید؛ و می تواند برای زائران مرقد خویش طلب مغفرت کند.

ب) امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: «مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» هر کس مرا زنده یا مرده زیارت کند او را شفاعت خواهم کرد. (قرب الاسناد. مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) شگفتا، که همین آیه هم اکنون که مرقد رسول خدا (ص) در اختیار افرادی نالایق است، بالای مرقد او نوشته شده است.

ب) دلیل روایی و حدیثی

عبد الله نجاشی می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد {همین آیه که گذشت. (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ سَوْرَةَ نَسَاء/ آیه ۶۴)} شنیدم که فرمود: به خدا مقصود، پیامبر و علی است که نزد آنها بیایند و از کردار خود آمرزش طلبند. یعنی ای علی! اگر نزد تو می آمدند و از کردار خود از خدا آمرزش می طلبیدند و پیامبر نیز برای آنها آمرزش خواسته بود حتما خداوند را توبه پذیر و مهربان می دیدند. (کلینی، محمد بن یعقوب، / ترجمه روضه کافی؛ ص ۳۲۴)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در روایتی چنین می فرماید: «احمدوا الله الذی لعظمته و نوره یتغی من فی السماوات و الأرض الیه الوسیله» (جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز. السقیفه و فدک. ص ۹۸ و ۹۹) حمد کنید خدایی را که هر چه در آسمان و زمین است برای عظمت و نورش به سوی او وسیله طلب می کند. آنچه در این روایت مشهود است، نه تنها اثبات مشروعیت توسل است، بلکه حضرت مشوق این مطلب نیز می باشد. ابن تیمیه نقل می گوید که ترمذی چنین روایت صحیحی را نقل می کند: روزی رسول خدا به شخصی دستورداد تا این چنین خدا را بخواند: «اللهم إني أسئلك و أتوجه إليك بنبيك» (مجموعه الرسائل والمسائل. ج ۱، ص ۱۳) و روایات بسیار متعدد دیگر، که هم کتب روایی تشیع و هم منابع اهل تسنن آنها را ذکر کرده اند. همچنین در ادعیه و اقوال معصومین، چه بسیار ذکر شده است آنها به وسیله بودن خود اعتراف می کردند. مثلاً در سخنان آنها جملاتی مثل: «و نحن وسیلته فی خلقه» مشاهده می شود.

ج) سیره مسلمانان صدر اسلام

در سیره مسلمانان صدر اسلام، چه در حیات پیامبر و چه بعد از حیات ایشان، موارد متعددی دیده شده، که به رسول خدا و غیر ایشان توسل میشود. مثلاً توسل صفیه عمه پیامبر به ایشان، یا توسل بلال بن حارث به رسول خدا به جهت طلب باران، توسل کرد. و امثال این جریانات که در کتب فرق عامه نقل شده است. اما اگر بخواهیم به چند مصداق دقیق و مفصل این مسئله بپردازیم، به سراغ کتب عامه رفته و چند مورد را بررسی می کنیم.

الف) شعر فردی از قبیله کنانه

در ایامی که بسیار خشکسالی آمده بود، پیامبر طلب باران کردند و خداوند به برکت ایشان باران نازل کرد. مردی از قبیله کنانه شعری در وصف پیامبر سرود، که رسول خدا از این شعر تقدیر کردند. بخشی از شعر چنین بود: سقینا بوجه النبی المطر. و این یعنی یه خاطر آبروی پیامبر بر ما باران بارید. (تجدید کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب. ص ۳۲۲)

ب) متوسل شدن برخی یهودیان به پیامبر





علامه طباطبایی در مورد آیه: «وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (سوره بقره، ۲، ۸۹) می‌فرمایند: از سیاق استفاده می‌شود که قبل از بعثت، کفار عرب متعرض یهود می‌شدند، و ایشان را آزار می‌دادند و یهود در مقابل، آرزوی رسیدن بعثت خاتم الانبیاء (ص) می‌کرده‌اند، و می‌گفته‌اند: اگر پیغمبر ما که تورات از آمدنش خبر داده مبعوث شود، و نیز به گفته تورات به مدینه مهاجرت کند، ما را از این ذلت و از شر شما اعراب نجات می‌دهد. (طباطبایی. محمدحسین ترجمه تفسیر المیزان. ج ۱. ص ۳۳۴) قرطبی یکی از مفسران عامه، در توضیح این آیه از متوسل شدن برخی یهودیان به پیامبر خبر می‌دهد. او در کتابش به نقل از ابن عباس می‌گوید: برخی از یهودیان مدینه و خیبر در مشکلاتی که برای آنها بوجود می‌آمد متوسل به پیامبر می‌شدند و می‌گفتند: انا نسالک بحق النبی الامی الذی وعدتنا ان تخرجه لنا فی آخر الزمان الا تنصرنا علیهم (قرطبی. ج ۲. ص ۲۶ و ۲۷) (استخراج این مطلب از نشریه طریق مجتهد، جلد ۳، ص ۱۸ می‌باشد).

ج) توسل خلیفه اول به پیکر رسول خدا

پس از رحلت حضرت رسول (ص) ابابکر خود را به منزل ایشان رساند و با دیدن پیکر پیامبر (ص) گفت: ای رسول خدا، زندگی و مرگت پاک و با برکت بود. با مرگ تو وحی الهی قطع شد. مقام و شان تو برتر از توصیف است و اجازه‌گیریه نمی‌دهد. اگر مرگ تو در اختیار ما بود با جان‌های خود از آن جلوگیری می‌کردیم. ای پیامبر خدا! در پیشگاه پروردگارت ما را یاد کن و فراموش نفرما! (فتاوی الحجه الدائمه للبحوث العلمیه والافتاء. ص ۳۴) این جریان به خوبی نشان می‌دهد که حتی در بعد از مرگ رسول خدا به ایشان توسل می‌کردند و در گذشته مسئله توسل رایج بوده، و این شبهه، که توسل شرک است و مخالفت با توحید عبادی دارد، با تولد وهابیت بوجود آمد، و قدمت قابل عرضه‌ای ندارد.

گفتار سوم

پس از بررسی دقیق مسئله توحید و اقسام آن، و بررسی دقیق مسئله توسل و بیان دلایل مشروعیت آن، می‌خواهیم اصل توسل به اهل بیت را مورد بررسی قرار داده، و مشروعیت آن را اثبات کنیم. لذا فصل سوم را به مسئله توسل به اهل بیت اختصاص دادیم و آن را به دو بخش تقسیم کردیم. بخش اول این فصل به بررسی برخی مصادیق مشهور جواز توسل پرداخته و در بخش دوم آن، به توضیح بیشتر نسبت به توسل به اهل بیت می‌پردازد.

۱. مستحقات توسل

الف) توضیح

همان طور که در بحث بیان حقیقت توسل مطرح شد، اصل توسل برای تسریع در قرب الی الله است. و این مسیر توسل، توسط هر آن کس و هر آنچه، در پیشگاه حضرت حق جایگاه ویژه ای دارد، ممکن است. یعنی باید، بوسیله مقربین درگاه الهی، مقرب درگاه الهی شد. حال ممکن است، که آن وسیله، افرادی همچون نبی مکرم اسلام و اهل بیت باشند، و ممکن است، چیزهایی مثل قرآن، کعبه و... باشد؛ که در هر صورت، خداوند به دلیل، تقرب به آنها، ما را از مقربین درگاه خود قرار می‌دهد. البته، همانطور که بارها بدان اشاره شد، و باز هم جای تاکید دارد، باید بدانیم هدف از توسل، رسیدن به عبادت حقیقی حضرت حق می‌باشد، و خود او ما را امر به توسل کرده است. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ. مائده، ۵، ۳۵) پس هرآنچه بدان توسل می‌شود، فقط وسیله ای برای رسیدن به خداست و قطعاً، بالذات مورد عبادت واقع نمی‌شود.

ب) بررسی برخی از مصادیق آن

۱) نبی مکرم اسلام

انسان بهترین مخلوق خدا است. و حضرت رسول بهترین بنده خدا و بهترین انسان است. نزدیکترین انسانها به خداوند اوست (فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى. پس {فاصله اش با پیامبر} به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیکتر شد. نجم، ۵۳، ۹)، و او به مقامی رسیده است، که ملائکه مقرب درگاه الهی، به آن جا راه پیدا نکرده اند. ایشان بیشترین آبرو و





بهترین جایگاه را در نزد خداوند متعال دارد، و همانطور که در ادله مذکور، آورده شد، اصل توسل به ایشان در اصل اسلام نیز رایج بوده و حتی غیر از مسلمانان از ایشان حاجت می‌گرفتند. او خاتم پیامبران و موعود در کتب آسمانی بوده است. او پیام آور حق بوده و بهترین دین خداوند و کامل ترین شریعت را ابلاغ نموده است.

پس با همه این توصیفات، به این نتیجه می‌رسیم که ایشان از همه مستحق تر نسبت به توسل می‌باشد. چه بسا خداوند متعال در قرآن کریم توسل به پیامبر را مورد نص قرار داده است.

(۲) اهل بیت (ع)

آنها جانشینان حضرت رسول، بر روی زمین بوده و حجت خداوند بر خلق هستند. بهترین مخلوقات عالم می‌باشند و آنها واسطه فیض الهی اند؛ پس بیشترین آبرو را نزد خداوند تعالی، بعد از حضرت رسول دارند و نزد خداوند محبوب ترین موجودات می‌باشند. البته، بخش بعدی متعلق به اثبات مشروعیت توسل به اهل بیت است؛ لذا به طور مفصل به آن پرداخته و توضیح بیشتری پیرامون آن خواهیم داد.

(۳) قرآن کریم

این کتاب آسمانی، که در کتب روایی، از آن به عنوان ثقل اکبر ثقلین یاد شده است، در بین مسلمانان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. احترام به آن و اعتقاد به این کتاب مقدس، از ضروریات دین است و منکر آن کافر محسوب می‌شود. جمله به جمله آن کلام خداوند متعال است و کسی که در آن تردید کند فاسق محسوب می‌شود. در کتاب کافی که کتب خاص روایی شیعه است، بابی به فضیلت این کتاب اختصاص داده شده است، که روایات آن گواه بر اهمیت والای این کتاب است. مثلاً در این باب آمده است: حضرت صادق (علیه السلام) از پدران (علیهم السلام) حدیث کند که مردی از درد سینه به پیغمبر (ص) شکایت کرد و حضرت (ص) فرمود: به وسیله قرآن شفا بجوی زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «و {این قرآن} شفاء است برای آنچه در سینه‌ها است» (سوره یونس، ۱۰ آیه ۵۷) «(کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰) در کتب اهل تسنن نیز روایات مبنی بر فضیلت توسل به قرآن آمده است: مثلاً احمد

بن حنبل از عمران بن حصین، نقل می کند، که رسول خدا فرمودند: قرآن بخوانید و بوسیله آن از خداوند سوال و درخواست کنید. (مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۵)

۴) کعبه

یکی دیگر از مصادیق توسل، خانه خداست. کعبه محل عبادات انبیاء و اولیاء خدا و زادگاه حضرت علی (ع) می باشد. گعبه اولین محلی ست که خدا برای عبادت آفرید و آن را محل گردهمایی مسلمانان قرار داد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ** (سوره آل عمران، ۳، ۹۶) یقیناً نخستین خانه ای که برای {نیایش و عبادت} مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.

۵) علماء و صالحین

علماء و بزرگان دین، در بین مردم از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. شریعت و دین هم، به وسیله آیات و روایات به آنها مقبولیت بسیاری داده است. مثلاً خداوند در قرآن کریم می فرماید: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** (سوره فاطر، ۳۵، ۲۸) از میان اصناف بندگان تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خدا ترسند. و یا مثلاً در روایتی رسول خدا چنین می فرماید: علماء امتی کأنبیاء (طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة، ص ۱۷۰). و همین سبب می شود تا آنها محل رجوع مردم، در مسائل مختلف زندگی قرار بگیرند. همچنین، مردم از آنها تقاضا می کردند، تا در پیشگاه خداوند، به جهت اعتبار و آبرویی که دارند، برایشان استغفار و دعا کنند. حتی بحث توسل به صالحین در منابع اهل سنت هم ذکر شده است. مثل توسل های خلفاء به جناب عباس عموی پیامبر و یا زیارت های قبور جناب ابوطالب، جناب حمزه، جناب آمنه (س) توسط خود حضرت رسول؛ که اینها همه گواه حقانیت این توسل نیز می باشد.

۲. مشروعیت توسل به اهل بیت

جایگاه و مقام اهل بیت، امری بدیهی و روشن است. تقرب آنها به خداوند متعال و رابطه نسبی بسیار ارزشمند آنها با رسول خدا، بر هیچ کس پوشیده نیست و اعم از شیعه





و سنی به جز عده معدودی از فرق عامه، همه قائل به کرامات و درجات بلند آنها هستند؛ لذا مشروعیت توسل به آنها امری روشن و واضح است. چه بسا در روایات ما تصریح بر این امر، به وضوح مشاهده می شود. اصلاً دعای مستقلی، در کتب روایایی شیعه با نام دعای توسل وجود دارد؛ که در آن از تک تک اهل بیت، درخواست کمک کرده و به دلیل آبرویشان، از آنها تقاضای فریادرسی داریم. در این دعا می‌خواهیم: *إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ... يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.* (کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی البلد الامین و الدرع الحصین. دعاء الفرج ص ۳۲۳) و چندین بار این جمله، خطاب به اهل بیت تکرار می شود. یا مثلاً در شب های قدر که از مهمترین شب های عمر ما محسوب می شود، خداوند را به فرد فرد اهل بیت قسم می دهیم، تا به برکت آبروی آنها از گناهان ما در گذرد. و جز این در ایام محرم و شهادت اهل بیت، ویژه به آنها توسل می کنیم، تا به برکت جایگاه والای آنها از ما نیز دستگیری نمایند. توسل از ضروریات شیعه محسوب می شود. حتی در بین اهل سنت هم فراوان مشاهده شده که در محضر ائمه، حاجتی خواسته اند و به حاجت خود نیز رسیده اند. از علمای بزرگ آنها مطالبی در این راستا منقول است؛ مثلاً از خطیب بغدادی چنین نقل شده است که: اباعلی خلیل می گوید هرگز امری را طلب نکردم و برای رسیدن آن به سوی قبر جعفر بن محمد نرفتم و به او متوسل نشدم، مگر آنکه خداوند آن را برای من آسان کرد. (خطیب بغدادی. ج ۱. ص ۱۲۰) و یا ابن ابی الحدید در کتاب معروف شرح نهج البلاغه خود، روایتی را از حضرت صدیقه طاهره نقل می کند: تمام آنچه در آسمان ها و زمین است، برای تقرب به خدا به دنبال وسیله هستند، و ما وسیله و واسطه خدا در میان خلق هستیم. (ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶. ص ۲۱۱) پس نه تنها توسل به اهل بیت مشروع است، بلکه بهترین راه رسیدن به خدا و مطمئن ترین راه کسب معارف و اندیشه های اسلامی است.

نتیجه گیری

برای جمع بندی و نتیجه گیری از این مطالب، باید اثبات مشروعیت توسل و عدم منافات آن، با توحید عبادی را بیان کرد. در ابتدا به توضیح دقیق و پردازش اقسام توحید، از منظر تشیع و دیگر فرق اسلامی پرداختیم. سپس اثبات و توضیح اصل توسل را مورد

بررسی قرار دادیم. و در نهایت وجه جمع آن دو را بررسی کردیم، و در نهایت به سراغ توضیح مفصل توسل به اهل بیت علیهم السلام رفتیم و آن را مورد بررسی قرار دادیم. در نهایت پاسخ های قاطع و محکمی را، به افرادی که قائل به شرک در توسل هستند دادیم و از راه های نقلی مشروعیت آن را اثبات کردیم.

همچنین، اگر بخواهیم به افرادی که اتصال به خدا و توسل مستقیم به خداوند را بالاتر از توسل می دانند و میگویند تا خدا هست به سراغ پایین تر از او نمی رویم، پاسخی بدهیم، می گوییم: برای رشد یک گل، نمی توان کنار آن ایستاد و فقط نماز خواند، باید برای آن آب و نور لازم را فراهم کنیم، زیرا خود خداوند متعال آفرینش را به گونه ای قرار داده است، که آن گل، با آب و نور رشد کند. در این مسئله هم همین است؛ و باید برای رسیدن به کمال و درجات عالی، از مسیر توسل به اهل بیت پیش رفت. و فقط اتصال به خدا کافی نیست. یعنی جدای از اینکه اصل توسل از موارد اتصال به خداوند می باشد، یکی از راه هایی است که خداوند برای رشد انسان در نظر گرفته و ما مامور بدان هستیم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق) تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. جوادی آملی. عبدالله. مبانی اخلاق در قرآن. نشر اسراء. چاپ: دوم. قم. ۱۳۲۶
۵. جوادی آملی. عبدالله. توحید در قرآن، انتشارات اسراء، چاپ: اول، قم، اردیبهشت ۱۳۲۳.
۶. جوادی آملی. عبدالله. فلسفه الهی از منظر امام رضا (ع)، انتشارات اسراء، چاپ: چهارم، بهار ۱۳۲۲.
۷. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک تهران، بی تا.
۸. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط الحدیثه) قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.



۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق.
۱۰. سبحانی. جعفر. مرزهای توحید و شرک. نشر مشعر، چاپ: اول، قم. ۱۳۲۵
۱۱. سبحانی، جعفر، التوسل أو الاستغاثة بارواح المقدسة بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، دارالشروق بیروت قاهره، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ناشر: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. صدر المتألهین، المظاهر الإلهیة فی أسرار العلوم الکمالیة تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. طباطبایی. سید محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه: محمد باقر همدانی. انتشارات اسلامی جامعه مدرسین ۱۳۷۴.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة / ترجمه عابدی قم، چاپ: اول، ۱۳۲۰ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، چاپ: سوم، تهران ۱۳۷۲.
۱۸. طبسی نجم الدین. درسنامه نقد وهابیت. قم. آثار نفیس، ۱۳۹۲.
۱۹. عصیری. مجتبی پیامبر وهابیت، نشر رشید. چاپ: اول، قم. ۱۳۹۱.
۲۰. علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب (للعلوی) / الکتاب العتیق ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، حسین اعلمی، انتشارات الصدر، چاپ: دوم، تهران ۱۴۱۵ ق.



۲۴. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، بهشت کافی / ترجمه روضه کافی قم، چاپ: اول، ۱۳۲۱ ش .
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط بیروت) بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مجله سراج منیر، پژوهشنامه نقد و هابیت، صاحب امتیاز، موسسه دارالاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام .
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ: چهارم، قم، تابستان ۱۳۹۱.
۳۰. مصباح یزدی. محمد تقی، به سوی او، ویراستار: محمدمهدی نادری قمی، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ: چهارم، زمستان ۱۳۹۰.
۳۱. مصباح یزدی. محمد تقی، اخلاق در قرآن، ویراستار: محمدحسین اسکندری، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ: پنجم، تابستان ۱۳۹۱.
۳۲. مصباح یزدی. محمد تقی، آموزش عقاید، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ هفدهم: بهار ۱۳۲۴.
۳۳. مصباح یزدی. محمد تقی، به سوی تو، ویراستار: کریم سبحانی، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ: ظهور، چاپ: اول؛ زمستان ۱۳۲۳.
۳۴. مصباح یزدی. محمد تقی. آیین و هابیت. چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ: اول، قم. ۱۳۲۷.



۳۵. مطهری. مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا،

چاپ: پانزدهم، بهمن ۱۳۲۷.

۳۶. نرم افزار نور، جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

۳۷. نرم افزار نور، جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

۳۸. نرم افزار نور، کلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

